

**Journal iranian political sociology**  
**Vol. 5, No.12, Esfand 2023**

<https://doi.org/10.30910/psi.2022/3.7.48/2383>

**Association of Modern Education and Schools in Iran and its political and social functions**

Abstract:

The Education Association was an association that was formed in 1315 AH by the efforts of personalities such as Amin al-Dawla and Ehtesham al-Satna, with the aim of establishing new schools and developing education in Tehran. The association helped the school-building process by collecting donations and public donations. Within six months, they established schools such as the inauguration, elementary, seminary, and Muzaffariyah schools, and gathered 3,000 students in these schools. In addition, the association published books, translated and published the Ma'aref newspaper, and organized adult classes. However, the personal intentions of some members and the differences between them did not allow the association to fully achieve its cultural goals. With the removal of Amin al-Dawla, the association faced many problems .

Key words: Amin al-Dawlah, Education Association, Development, Modern Schools, Qajar

ماهنامه علمی (مقاله علمی\_پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۲۲۲۶-۲۲۳۴

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.307048.2383>

انجمن معارف و مدارس نوین در ایران و کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن

تاریخ دریافت : ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

آرش زنگنه<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

امیر تیمور رفیعی<sup>۲</sup>

کیوان لولویی<sup>۳</sup>

بشری دلریش<sup>۴</sup>

چکیده :

انجمن معارف ، انجمنی بود که در سال ۱۳۱۵ ق به اهتمام شخصیت هایی مانند امین الدوله و احتشام السلطنه ، با هدف تاسیس مدارس جدید و توسعه معارف در تهران تشکیل شد . این انجمن با جمع آوری اعانات و کمک های مردمی ، به روند مدرسه سازی کمک کرد . و در مدت شش ماه مدرسی مانند افتتاحیه ، ابتدائیه ، علمیه و مظفریه را بر پا ساختند . و سه هزار دانش آموز را در این مدارس گرد آورد . علاوه بر آن انجمن در زمینه چاپ و انتشار کتاب و ترجمه و انتشار روزنامه معارف و تشکیل کلاس های بزرگ سالان اقدام کرد . اما غرض شخصی برخی از اعضا و اختلاف موجود میان آنان نگذاشت این انجمن کاملاً به هدف های فرهنگی خود دست یابد . با برکناری امین الدوله انجمن دچار مشکلات فراوانی شد . کلید واژه : امین الدوله ، انجمن معارف ، رشديه ، مدارس نوین ، قاجاریه

دانشجوی دکتری تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران، Arash

[Zanganeh20211400@yahoo.com](mailto:Zanganeh20211400@yahoo.com)

<sup>۱</sup> استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران، [kluluei@yahoo.com](mailto:kluluei@yahoo.com)

<sup>۳</sup> استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، [bdelrish453@gmail.com](mailto:bdelrish453@gmail.com)

مقدمه :

مطالعات تاریخ مدارس جدید نشان می‌دهد که این مدارس با پیدایش شرایط جدید در ایران، از سوی عده‌ای از افراد فرهنگ دوست و میهن پرست تاسیس شد و رفته رفته به صورت نهاد رسمی درآمد. گفتنی است که در تاسیس مدارس جدید، در آغاز سهم افراد فرهنگ پژوه و آزادی خواه به مراتب بیش از سرکردگان دستگاه حکومتی قاجار بود و پیش از آن که وزارت فرهنگ یا به اصطلاح آن روزگار وزارت معارف اقدام به گشایش مدرسه بکند، تاسیس مدارس جدید توسط افراد و انجمن‌های فرهنگی صورت گرفت. این انجمن‌ها یا رسمی بود، یعنی از رجال و دولتمردان نیز در آن عضویت داشتند و یا غیر رسمی و حکومت دخالتی در کار آنان نداشت. به هر صورت یکی از عوامل گسترش مدارس جدید در ایران همین رواج انجمن‌ها بود.

یکی از انجمن‌هایی که بانی مدارس جدید در تهران شد، انجمن معارف بود که در سال ۱۳۱۵ هجری قمری و در دوره صدارت میرزا علی خان امین‌الدوله تاسیس شد. این انجمن در دوره حیات خود اقدامات مفید فرهنگی مهمی در راه تاسیس و گسترش مدارس نوین انجام داد به نحوی که در اندک زمانی ۳۶ باب مدرسه فقط در تهران ساخته شد و تاسیس و گسترش مدارس جدید یکی از عوامل بیداری ایران در عهد مشروطه بود..

فرضیه:

انجمن معارف در حکم جریان فکری - فرهنگی بود که توسط عده‌ای از افراد روشنفکر در دوره مظفرالدین شاه تشکیل شد و نقش مهمی در پیدایش و گسترش مدارس نوین داشت و علاوه بر این اگر چه در ابتدا با موانع و مشکلات فراوان مواجه شد اما این جریان فکری و فرهنگی استمرار پیدا کرد و بعد ها نهاد های نویناد فرهنگی، نام معارف را سر لوحه خود قرار دادند. و وزارت علوم و آموزش و پرورش از این واژه استفاده کردند.. این مقاله سعی دارد زمینه های پیدایش انجمن معارف و اقدامات فرهنگی آن را مورد بحث و بررسی قرار دهد و ضمن پرداختن به سؤال اصلی: علل و زمینه های پیدایش انجمن معارف چه بود؟ به سئوالات فرعی چون انجمن معارف چگونه تاسیس شد؟ این انجمن در طول حیات خود دست به چه اقداماتی زد؟ نقش این انجمن در گسترش مدارس نوین چه بود؟ این انجمن چه تاثیری در پیدایش آموزش و پرورش دوران بعد داشت؟

پیشینه پژوهش:

در تحقیقات و پژوهش های جدید اشاره اندکی به چگونگی تاسیس انجمن معارف شده است. در فرهنگ نامه ها و دایره المعارف اشاره کوتاهی به پیدایش این انجمن شده است مثلا در جلد ۱۰ دایره المعارف بزرگ اسلامی مقاله کوتاهی با عنوان انجمن معارف اثر علی میر انصاری ارائه گردیده است و در بعضی از کتبی که پیرامون مدارس نوین در دوره قاجار نوشته شده شده اشاره ای هر چند کوتاه نیز به این انجمن شده است. این اثر سعی دارد زمینه های پیدایش، رشد و فعالیت های این انجمن را مورد بررسی قرار دهد و نقش این انجمن در پیدایش و زمینه سازی آموزش و پرورش نوین را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد.

نقش انجمن معارف در پیدایش مدارس نوین: با ترور ناصر الدین شاه (۱۳۱۳ق) مسافرت های مردم به خارج از مملکت افزایش یافت. افزایش مبادلات اقتصادی با ممالک خارجی، طبقه ای از تجار و بازرگانان را شکل داده بود که برای فعالیت های اقتصادی به کشور های همجوار و اروپایی مسافرت می کردند. برخی از اعیان و بزرگان نیز فرزندان خود را برای فراگیری علوم و فنون جدید به فرنگستان می فرستادند. مردم که طبعاً در این مدت ده بیست سال اخیر از اوضاع اروپا چیز هایی شنیده و چشم و گوششان تا حد زیادی باز شده بود همین که عدم توجه شاه به این غدغن های معروف و جلوگیری دانش و بینش را احساس کردند به جانب چیز های تازه و معلومات جدید هجوم آوردند. و عده ای زیاد به اروپا رفتند. ...

دیگر مثل دوران ناصر الدین شاه نبود که کسی جرئت بیان اوضاع و ترتیبات اجتماعی و سیاسی ملل و دول اروپا را نداشته باشد. هر کس هر چه می دانست بی پروا صحبت می کرد. اهل مطالعه که سابقاً کتاب های قدیمه چیز می خواندند با خبر شدند که خیلی از مطالب خواندنی از قماش دیگر هست. [۱]

رفت و آمد ها به خارج از ایران و آشنایی با علوم و اندیشه های جدید زمینه های ترقی خواهی را در ایران فراهم ساخت ، روزنامه ها از ضرورت تغییر در ایران سخن گفتند . احساس نیاز به فراگیری علوم جدید در بین طبقات از جامعه و ضرورت های حاکمیتی در تامین نیروی انسانی مورد نیاز نهاد های جدید ، تقاضا برای برپایی مدارس جدید را در بخش دولتی و غیر دولتی افزایش داد. در پی این رفت و آمد ها ضرورت های اجتماعی که سر بر آورده بودند . فرصتی برای تشکیل انجمن معارف از سوی برخی از نیرو های غیر دولتی فراهم کرد . هدف از تشکیل این انجمن غیر دولتی برپایی مدارس جدید در سراسر ایران بود . تشکیل انجمن غیر دولتی معارف در سال ۱۳۱۵ هجری کمک بزرگی به گسترش مدارس جدید در ایران بود . انجمن معارف مرکب از افرادی بود که به تاسیس مدارس جدید دست زدند و یا از تاسیس مدارس جدید حمایت کردند. نخستین مدرسی که به کمک این انجمن برپا شدند عبارت بودند از : علمیه ، ابتدائیه ، شرف ، افتتاحیه ، مظفریه ، ادب ، سادات و دانش و ... بود تمام هزینه های مدارس تحت نظارت انجمن معارف و به توسط این انجمن تامین می شد که از کمک های مردمی و دولتی جمع آوری می شد [۲]

چگونگی تاسیس انجمن معارف : میرزا علی خان امین الدوله فرزند میرزا محمد خان مجدالملک است که در سال ۱۲۶۰ هجری قمری در تهران متولد شد [۳]، وی مبادی تحصیلات فارسی و عربی را در تهران فراگرفت و همراه پدر که عنوان کار پرداز از سفارت ایران در بغداد را داشت روانه بغداد شد . در این مسافرت سطح معلومات میرزا علی خان بخصوص در عربی بالا رفت . و حسن خط و انشاء را نزد پدر تکمیل کرد . میرزا علی خان که جوانی تحصیل کرده بود توسط دائی خود پاشا خان امین الملک به حضور ناصر الدین شاه معرفی شد و به عنوان منشی حضور جزو پیشخدمتان خاصه همایونی استخدام شد. [۴]

وی در سال ۱۲۸۷ هجری قمری با سمت منشی پیشخدمت مخصوص جزو ملتزمان رکاب ناصر الدین به عتبات بود. در سال بعد او را به لقب امین الملک مفتخر ساخت و در امور سیاسی مورد مشورت شاه قرار گرفت . در سال ۱۲۹۰ هجری قمری به وزارت رسائل منصوب شد و در همین سال همراه ناصر الدین شاه و سپهسالار عازم اروپا شد. [۵] وی در سال ۱۲۹۹ هجری قمری به وزارت و وظائف و اوقاف منصوب گردید و هم در این سال به لقب امین الدوله ملقب گشت [۶]. در سفر سوم ناصرالدین شاه در سال ۱۳۰۶ هجری قمری به اروپا رفت و از ترقیات و نظم اجتماعی اروپائیان درس های بسیار گرفت . سر پیشرفت اروپا و عقب ماندگی مشرق زمین بخصوص ایران را فهمید و بر آن شد تا به اندازه وسع خود با جهل و نادانی مبارزه کند . با قتل ناصر الدین شاه و به قدرت رسیدن مظفر الدین شاه ، امین الدوله به پیشکاری آذربایجان مامور شد. [۷]

امین الدوله در تبریز به فکر اصلاحات اجتماعی و فرهنگی همت گماشت و از میرزا حسن رشدیه که از سال ۱۳۰۵ هجری قمری دبستانی به سبک و شیوه نوین در تبریز دایر کرده بود و در این راه با مشکلات عدیده ای مواجه شده بود [۸] دعوت و از نزدیک با اهداف و بر نامه های او در زمینه آموزش به شیوه نوین قرار گرفت و قول همکاری به میرزا حسن رشدیه داد. [۹] و کار میرزا حسن رشدیه که در سال های قبل با مشکلات فراوان روبرو شده بود و بار ها تبعید شده بود به پشتوانه امین الدوله اقدام به تاسیس مدرسه جدید کرد و کار او رونق و رواج فراوان یافت .

پس از این که امین الدوله به صدارت رسید ، میرزا حسن رشدیه را نیز به تهران فرا خواند تا مدرسه ای به سبک جدید در تهران تاسیس کند . رشدیه نیز سر پرست مدرسه رشدیه تبریز را به برادرش واگذار کرد و خود عازم تهران شد ، بدین ترتیب با کمک امین الدوله نخستین مدرسه در تهران به سال ۱۳۱۵ هجری ق / ۱۸۹۷ م گشایش یافت . در همین سال به منظور

گسترش مدارس جدید و کمک به اداره و رشد و گسترش مدارس جدید در تهران انجمنی با عنوان انجمن تاسیس مکاتب ملیه ایران که بعد ها به اسم «انجمن معارف» موسوم گشت، توسط عده ای از رجال فرهنگ دوست گشایش یافت. [۱۰]

بنابر این انجمن معارف، انجمنی بود که از برخی معارف دوستان ایرانی به اهتمام شخصیت هایی مانند امین الدوله و احتشام السلطنه با هدف تاسیس مدارس جدید و توسعه معارف در تهران تشکیل شد. دولت آبادی در این زمینه می نویسد: «در این زمان حرکتی همسو از طرف برخی از تجدد طلبان مانند احتشام السلطنه ظهور کرد و ایشان نخستین بار در رجب ۱۳۱۵ هجری به ابتکار کریم خان سواد کوهی، سردار مکرّم فراهم آمدند تا مدرسه ای شبانه روزی برای تعلیم و نگهداری دانش آموزان یتیم تاسیس کنند.» [۱۱] این جلسه منجر به تشکیل انجمن معارف شد که هدف آن بسط و توسعه مدارس جدید بود. امین الدوله با نفوذ خود، وزیر علوم یعنی نیر الملک را به ریاست انجمن بر گماشت و برای نشان دادن همراهی خود با اهداف انجمن در باغ مسکونی خویش، مدرسه رشديه را بر پا ساخت. [۱۲]

اعضای انجمن در نخستین گام خود دچار دو دستگی و اختلاف نظر شدند. عده ای مانند مفتاح الملک و ممتحن الدوله، زیر نظر احتشام السلطنه به رقاب با امین الدوله و همفکران او، یعنی میرزا حسن رشديه و نیر الملک پرداختند همفکران احتشام السلطنه خیلی زود توانستند بر رقیبان خود غلبه یابند و نیر الملک به رغم آن که ریاست انجمن معارف را داشت، اما عمده فعالیت ها به دست احتشام السلطنه و نفوذ او صورت می گرفت. از جمله اقدامات احتشام السلطنه، جمع آوری اعانه از طبقات مختلف مردم و نیز محدود ساختن بودجه مدرسه رشديه بود. [۱۳] پس از تاسیس مدرسه رشديه و حمایت امین الدوله از آن، کسان دیگری هم به پیروی از صدر اعظم، مدرسه هایی بر پا داشتند چنان که در پایان صدارت او شمار این مدارس به ۳۰ باب رسید [ممتحن، مستوفی، هدایت] وی با این تمهیدات توانست در مدت ۶ ماه، مدرسی مانند افتتاحیه، ابتدائیه، علمیه و مظفریه را بر پا سازد و ۳ هزار دانش آموز در این مدارس گرد آورد. [۱۴]

در محرم ۱۳۱۶ هجری قمری، امین الدوله از صدارت معزول شد و امین السلطان به صدارت رسید. در این زمان رقابت بین اعضای انجمن معارف بیشتر شد و دسته بندی های جدید تشکیل شد و همین اختلافات سبب شد که احتشام السلطنه از انجمن اخراج گردد مردم به علت خارج شدن احتشام السلطنه از انجمن، دیگر حاضر به کمک مالی به انجمن نشدند. این موضوع و همچنین افشای سوء استفاده های مالی از بودجه انجمن سبب شد تا مفتاح الملک هم خود را از اداره انجمن دور سازد. نتیجه نهایی آن بود که در شوال ۱۳۱۸ هجری انجمن در عمل به حالت انحلال و تعطیل افتاد. [۱۵]

بعد از تشکیل انجمن معارف در تهران، انجمن تبریز همانند انجمن معارف تهران حاصل کار گروهی از روشنفکران متجدد و آزادی خواه، روحانیان روشنفکر و تجار ترقی خواه بود که به منظور تاسیس مدارس نوین و نشر معارف جدید در سال ۱۳۱۸ ق در شهر تبریز تشکیل شد. اعضای انجمن که گروهی از مدیران مدارس نیز عضو آن بودند برای ایستادگی در برابر مخالفان و اداره مدارس و تنظیم برنامه و اصول تدریس، جلسات منظمی داشتند که تا سال ۱۳۲۱ ق دایر بود. در این سال به بهانه اخراج مسیو پریم بلژیکی، آشوبی در شهر تبریز رخ داد که بر اثر آن برخی از موسسات آموزشی نوین تاراج شد و از جمله آن ها مدرسه کمال با مدیریت میرزا حسین خان بود که روزنامه ای نیز به همین نام داشت.

این انجمن پس از این واقعه مدتی از فعالیت بازماند ولی دو باره در سال ۱۳۲۲ ق آغاز به کار کرد و از این سال به بعد مدارس جدیدی در تبریز رو به گسترش نهاد بنیان گذاران انجمن معارف تبریز که ۲۶ نفر بودند مدتی بعد جزو رهبران و پیشروان جنبش مشروطیت آذربایجان شدند. [۱۶]

با برکناری امین الدوله، انجمن معارف دچار مشکلات فراوانی شد و تا سر حد انحلال پیش رفت، اما در زمان میرزا علی اصغر خان اتابک تلاش برای قانونمند کردن وزارت علوم را آغاز شد. در سال ۱۳۱۹ هجری طبق نظام نامه ای که توسط سه اروپایی به نام های دکتر شیندر (طیب شاه)، مسیوهینگ (مشاور شاه) و مسیو واشر (رئیس مدرسه فلاحت) تهیه شده

بود و به امضای شاه رسید به غیر از سه مدرسه علوم سیاسی، نظامی و فلاحی که به ترتیب در کنترل وزارت خارجه، وزارت جنگ و حکومت تهران قرار داشت، مابقی مدارس تحت نظارت وزارت معارف در آمدند و به دو دسته ابتدایی و متوسطه تقسیم شدند. ضمناً برای هر سطح، رئیسی نیز در نظر گرفته شده بود. از آن پس به جای انجمن معارف، شورای عالی معارف تشکیل شد که سه اروپایی مذکور نیز از اعضای آن بودند. [۱۷]

فعالیت های انجمن معارف: انجمن معارف در طول حیات کوتاه خود فعالیت های فرهنگی متعددی انجام داد که در ذیل به مواردی از آن ها اشاره می گردد:

الف) تاسیس مدرسه: امین الدوله معتقد بود که درد ملت ایران نادانی است و دواي آن نیز دانایی است از این رو بیش از هر کاری به گسترش فرهنگ و آموزش اهمیت می داد وی راه برون رفت از مشکلات را توسعه معارف می دانست و توسعه معارف جز از راه تاسیس مدرسه امکان پذیر نیست. لذا زمانی که حاکم آذربایجان بود، میرزا حسن رشیدی را که از سال های قبل در فکر رواج مدارس به سبک نوین بود و در این کار نیز گرفتار مشکلات چندی شده بود را دعوت کرد تا مدرسه ای را در تبریز دایر کند. این مدرسه در دوره حاکمیت امین الدوله بر تبریز رونق فراوان یافت و مورد استقبال فراوان قرار گرفت. در دوره صدارت امین الدوله، وی از میرزا حسن رشیدی در خواست کرد تا مدرسه ای در تهران تاسیس کند. لذا یک باب مدرسه ابتدائی به همت امین الدوله دایر شد و مدیر آن میرزا حسن رشیدی بود. [۱۸]

ساخت این مدارس پس از امین الدوله توسط درباریان نیز دنبال شد که نخستین نفر آن با توجه به گزارش ها سردار مکرم فیروز کوهی امیر تومان که مدرسه ای تحت عنوان «مدرسه خیریه» تاسیس کرد. این مدرسه را می توان نخستین مدارس شبانه روزی ایران نامید که تحصیل در آن هزینه ای به همراه نداشت و متعلمین مجانی در آن درس می خواندند. یکی دیگر از مدارسی که توسط انجمن معارف ساخته شد مدرسه ای بود تحت عنوان «مدرسه علمیه» بود که از دو قسمت تشکیل می یافت. بخشی از آن ابتدائی و بخش دیگر در سطح متوسطه بود. این مدرسه محل تجمع تجدد خواهان و بانیان مدارس جدید شد که در آغاز در انجمن معارف جمع بودند. در حقیقت محل فعالیت انجمن معارف در آغاز همین مدرسه بود. پس از این اقدام آوازه کار انجمن چه در داخل و چه در خارج از کشور پیچید. در آغاز کار این انجمن، امید ها ی فراوان به آن می رفت. در مورد چگونگی پیشرفت کار انجمن معارف پس از تاسیس این مدرسه و چشم انداز آن برای آینده نوشته اند:

«اقدامات انجمن معارف بعد از حوادث اخیر در تمام مملکت و بلکه در همه جای دنیا انعکاس نیکو افکنده، تصور می شود پیکر این مملکت که مدت پنجاه سال سلطنت ناصر الدین شاه، در زیر دست روسای نالایق و وزرای ناقابل که شرح زندگانی آن ها را مولف رساله غیبی [ملکم خان ناظم الدوله] به بهترین وجه بیان نموده است، در آخر به درجه ناتوانی افتاده به واسطه هیچان روح معارف پروری قوت و قدرت خواهد یافت» [۱۹] پس از مدرسه علمیه مدارس دیگری چون افتتاحیه، شرف، دانش سادات، ادب، قدسیه، کمالیه، سعادت و ... یکی پس از دیگری با یاری اعضای انجمن معارف و دیگر فرهنگ دوستان تاسیس یافت که در حقیقت پایه های نخستین این مدارس پس از تشکیل مدرسه رشیدی و انجمن معارف نهاده شده بود. [۲۰]

ب) تامین بودجه مدارس: انجمن معارف در ابتدا برای تامین بودجه لازم برای مدارس از رجال و دیگران اعانه هایی جمع آوری کرد و صندوق مخصوصی برای این منظور در نظر گرفت به نام صندوق معارف و کمک های مردم را در یک جا جمع کرد و میان مدرسه های نوین تقسیم کرد. متأسفانه اینجا نیز در تقسیم بودجه اختلاف نظر ها و سیاست ها، موانعی را در پیشرفت مدارس جدید به وجود آورد. اما به مدد همین یاری ها بود که مدارس اولیه در تهران اداره می شد به ویژه آن زمان که امین الدوله بر مصدر کار ها بود، وضع انجمن از نظر مالی و امکانات دیگر به مراتب رضایت بخش تر بود و شاید همین امر بود که رشیدی را به گشاده دستی کشاند و مخالفانش همان را بهانه قرار دادند تا وی و امین الدوله را از فعالیت های فرهنگی باز دارند.

برای تامین نیاز های مدارس و پیشبرد کار های انجمن ، احتشام السلطنه به امر صدر اعظم امین الدوله ، دفتری برای جمع آوری کمک های مالی افراد فراهم آورد .نخست آن را پیش مظفر الدین شاه برد و وی در آن دفتر دو هزار تومان اعانه نوشت و در زیر دست خط شاه ، خط امین الدوله بود که مطلبی به این مضمون نوشته بود: «این بنده در گاه برای این مقصود خیر دوازده هزار تومان بندگی خواهد کرد» [۲۱]

وزراء و امرا و اعیان و تجار به اهتمام قابل تمجید احتشام السلطنه هر یک به عنوان استمرار ی و غیر استمراری مبلغی در آن دفتر ثبت می نمایند . وجوه اعانه نزد احتشام السلطنه جمع می شد و این برای پیشرفت مدارس بسیار مهم بود.میرزا حسن رشدیه مدیر رشدیه تهران ، بودجه سنگینی برای مدرسه ترتیب داده ناهار مفصل به شاگردان و به معلمین و به عموم اجزاء می دهد . برای خود و اعضای مکتب بیش از آن چه مقتضی به نظر می آید حقوق معین نموده و با لجمه مکتب را مانند یک اداره دولتی محتشمی در آورده بود . در صورتی که وضع پریشان مملکت اقتضای این بود چه را برای مکتب ندارد . رشدیه تصور می کند امین الدوله همیشه صدر اعظم خواهد بود و یک مکتب را که به او منسوب است با هر بودجه ای باشد نگاهداری خواهد کرد و همین زیاده روی او موجب اختلاف کلمه وی با اعضای انجمن می گردد.[۱۶]به مرور اختلاف بین اعضای انجمن شدت گرفت و به گوش مظفر الدین شاه رسید ، وی نیز مسئولیت کلیه تاسیسات انجمن معارف را به وزیر علوم سپرد و احتشام السلطنه را که سمت معاونت وزارت خارجه را داشت از کار بر کنار کردند و به حکومت کردستان منصوب کردند .

واقعیت آن است که صرف نظر از رقابت میان اعضای داخل انجمن معارف ، شاه و امین السلطان که به تازگی جانشین امین الدوله شده بود نظر خوشی نسبت به اقدامات انجمن نداشتند و از مخالفان سر سخت فعالیت های انجمن بودند و از این رو سعی کردند که فعال ترین و بی پروا ترین عضو انجمن را از تهران دور کنند که دور کردن احتشام السلطنه از انجمن معارف و فرستادن او به کردستان در همین راستا بود.[۲۲]

امین السلطان که نمی خواست به صورت آشکار با تجدد خواهان و هواداران مدارس جدید مبارزه کند بر آن شد که به جای انجمن معارف ، شورای عالی معارف را با اعضای انتخابی خود تشکیل دهد . بدین منظور یکی دو جلسه در خانه اش تشکیل داد و سر انجام روز سه شنبه ۲۵ شعبان ۱۳۱۹ هجری بر حسب دعوت وزیر علوم اولین جلسه شورای عالی دولتی معارف را تشکیل داد. اعضای این مجلس عبارت بودند از وزیر علوم ، حاج مخبر السلطنه و میرزا کریم سردار مکرّم و میرزا مهدی خان زعیم الدوله به این ترتیب شورای عالی معارف جانشین انجمن معارف شد و محل آن را در کتابخانه قدیم دارالفنون تعیین کردندو رئیس آن هم وزیر علوم بود.

ج)تاسیس کتابخانه، دارالترجمه و دارالتالیف : در ایام صدارت امین الدوله از جمله وظایفی که برای انجمن معارف معین شده بود تاسیس کتابخانه و دارالترجمه و دارالتالیف بود. عزل امین الدوله از صدارت ، فعالیت های انجمن را محدود ساخت و اعضای آن را از تعقیب این خیالات نا امید کرد. اما پس از آن که انجمن معارف ملاحظه کرد میرزا علی اصغر خان ، صدر اعظم با انجمن مخالفت صریح نمی کند ، بلکه در ظاهر مساعدت هایی هم می کند تصمیم گرفت برای انجمن نظامنامه داخلی بنویسد تا از اختلافات جلوگیری شود و پس از آن که به تشکیل کتابخانه پرداخت . برای این منظور مکان مخصوصی در نظر گرفت و کتابخانه را دایر کرد که جلسات انجمن نیز در همان مکان دایر شد.

اعضای انجمن در جمع آوری کتاب برای کتابخانه از هیچ تلاشی دریغ نمی کردند چنان که در زمان کمی بیش از هزار جلد کتاب در فنون مختلف جمع آوری شد.ریاست کتابخانه نیز به عهده محمد اسماعیل آجودان باشی نهاده شد . انجمن معارف علاوه بر کتابخانه به تاسیس دارالتالیف و دارالترجمه نیز اقدام کرد و در صدد تشکیل شرکتی برای طبع و نشر کتاب بر آمد . میرزا محمد حسین فروغی ذکاالملک و پسرش میرزا محمد علی خان و شیخ محمد بن عبدالوهاب قزوینی را برای انجام این

خدمت استخدام کرد. [۲۳] این شرکت کتاب های مختلفی در زمینه های گوناگون به چاپ رسانید . اقدام دیگر انجمن معارف و شرکت طبع و نشر ، چاپ کتاب های درسی برای شاگردان بود که تا آن زمان تقریباً بی سابقه بود. گفتنی است که نخستین کتابی که توسط این انجمن نوشته شد کتاب شرعیات به زبان ساده بود که توسط یحیی دولت آبادی تالیف شد. هدف از نوشتن چنین کتابی علاوه بر دادن آموزش های دینی به زبان ساده ، جلوگیری از تهمت های مخالفان مدارس جدید بود که این مدارس را عاملی برای بی دینی و لامذهبی معرفی می کردند؛ دولت آبادی خود در این زمینه می نویسد : « کتاب علمی نه تنها درس شرعیات مکاتب را منظم نموده ، بلکه به منزله سپری است برای نگاهداری نمودن معارف نارس از تیر های تهمت بی دیانتی که از طرف مخالفان به جانب آن موسسه ها رها می گردد. » [۲۴] کتاب مذکور انجمن معارف را تقویت و مدرسه های جدید را روح تازه بخشید و زبان بد خواهان را تا اندازه ای کوتاه کرد.

(دروزرنامه معارف : یکی دیگر از اقدامات انجمن معارف تا سیس روزنامه بوده است . انجمن از همان آغاز تصمیم داشت روزنامه ای نیز منتشر کند . ولی موفق نشد و سر انجام مفتاح الملک بانی مدرسه افتتاحیه و عضو انجمن اجازه تاسیس روزنامه را در یافت داشت اما بعضی دیگر صاحب امتیاز را انجمن معارف ذکر کرده اند . [۲۵] این روزنامه به ویژه پس از بر کناری احتشام السلطنه از انجمن ، به تاریخ غره ۱۳۱۶/ق ۱۸۹۸م شروع به فعالیت کرد . مطالب این روزنامه راجع به امور آموزشی بود . [۲۶] روزنامه معارف از بهترین منابع برای اطلاع از اوضاع معارف و مدارس زمان مظفر الدین شاه می باشد. در بعضی شماره های آن مطالب علمی که با صور و اشکال توضیح داده شده از قبیل حرکت زمین و بعضی تجربیات فیزیکی و شیمیایی چاپ شده است .

ه) تشکیل کلاس های اکابر : اقدام دیگر انجمن معارف ، تشکیل مدرسه اکابر بود که در ساعت اول شب برای سالمندانی که تحصیل معیشت و تکفل عائله و پشت سر گذراندن سنین کودکی و جوانی مانع از تحصیل ایشان در مدارس جدید بود. در کلاس اکابر به تحصیل پرداختند ، مدرسه اکابر تحت ریاست ادیب کاشانی با دو کلاس شروع به کار کرد ، کلاس اول مخصوص بیسوادان و کلاس دوم برای آن ها که مقدمات خواندن و نوشتن را می دانستند و علاقمند به ادامه تحصیل بودند اختصاص یافت . [۲۷]

لازم به ذکر است که در هیچ یک از مآخذ تاریخی و یادداشت هایی که مشروطه خواهان و معارف پروران از این سال ها نوشته اند اشاره ای به تاسیس کلاس های شبانه سالمندان نشده است و چهل سال بعد از این تاریخ همین نام کلاس اکابر برای کلاس های شبانه سالمندان که به وسیله وزارت معارف تشکیل شده بود ، انتخاب گردید ، نامی که انجمن معارف در سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ هجری ده سال قبل از طلوع مشروطه و چهل سال قبل از کلاس های اکابر سالمندان وزارت معارف با ابتکار و تحت ریاست احتشام السلطنه و با شرکت جمعی فرهنگ دوست تاسیس و دائر گردید.

نتیجه :

در دوره قاجار عده ای از مردم ایران با تحولات جهان غرب و پیشرفت آنان در زمینه های سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و اجتماعی آشنا شدند و این آگاهی آنان را به فکر فرو برد که راز پیشرفت غرب و عقب ماندگی خود را بدانند . عده ای از آنان بدین نتیجه رسیدند که سرّ پیشرفت غرب در مدارس آن است . لذا این گروه سعی کردند به تقلید از غرب مدارس را در ایران احداث کنند . این امر در ابتدا به وسیله امیر کبیر و با بودجه دولتی انجام گرفت و نتوانست فرا گیر شود و بیشتر در خدمت فرزندان اعیان و اشراف بود . اما در سال ۱۳۰۵ هجری در تبریز مدرسه ای با عنوان رشديه توسط میرزا حسن خان رشديه تاسیس شد اما این مدرسه بارها توسط نیرو های سنت گرا تعطیل شد و موسس آن نیز بارها تبعید گردید .

در زمان حاکمیت امین الدوله در تبریز ، از آن جا که وی فردی فرهیخته بود لذا میرزا حسن رشديه را در تبریز یاری کرد تا مدرسه خود را بازگشایی کند . این کار صورت گرفت و رونق فراوان گرفت و مورد استقبال فراوان قرار گرفت . با شروع



صدر اعظمی امین الدوله رشديه به تهران فرا خوانده شد و با کمک امین الدوله مدرسه جدیدی احداث کرد. این اقدام سبب شد افراد فرهنگ دوست نیز اقدام به تاسیس مدارس نوین کنند به نحوی که در حدود چند سال سی و شش باب مدرسه در تهران احداث گردید. مخارج تاسیس این مدارس از کیسه فتوت افراد نیکو کار تامین می شد. این بانیان مدارس برای اداره بهتر این مدارس و رونق آن ها دست به تشکیل انجمنی با نام انجمن معارف زدند. این انجمن با برپایی جلسات و نوشتن نظام نامه، شروع به کار کرد و وجوه مورد نیاز مدارس را از دولتمردان و خیرین جمع آوری می کرد. همچنین برای رونق بهتر مدارس دست به احداث کتابخانه و چاپخانه و ترجمه های کتاب های مفید زد. هدف از تشکیل انجمن معارف سامان بخشیدن به وضع مدارس جدید و اشاعه فرهنگ نو در جامعه بود. اما غرض شخصی برخی از اعضا و اختلاف موجود میان آنان نگذاشت این انجمن کاملاً به هدف های فرهنگی خود که در آغاز منظور نظر فرهنگ دوستان آن روزگار بود، دست یابد اما با این حال کار هایی نیز انجام داد که در سامان دادن به وضع پریشان مدارس قابل توجه است.

پی نوشت ها :

- ۱- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳) تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار، جلد ۳، تهران: انتشارات مصور، ص ۱۹
- ۲- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲) حیات یحیی، جلد اول، تهران: انتشارات عطار، چاپ چهارم، ص ۱۸۱
- ۳- شقاقی، مهدی، ممتحن الدوله، میرزا هاشم (۱۳۶۵) رجال وزارت خارجه به کوشش ایرج افشار، تهران: ص ۳۵
- ۴- صفایی، ابراهیم (۱۳۶۳) رهبران مشروطه، جلد ۱، تهران: انتشارات علمی، ص ۶۸
- ۵- رشديه فخر الدین (۱۳۷۰) زندگینامه پیر معارف رشديه، تهران: انتشارات هیرمند، ص ۳۵
- ۶- ناظم الاسلام، محمد (۱۳۵۷) تاریخ بیداری ایرانیان جلد ۱، به کوشش علی اکبر سعیدی سیر جانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۵۵
- ۷- همان ص ۱۵۵
- ۸- کسروی، احمد (۱۳۵۶) تاریخ مشروطه ایران ف تهران: امیر کبیر، ص ۲۱
- ۹- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰) تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۳۷۰
- ۱۰- دولت آبادی، یحیی (۱۳۶۲) حیات یحیی، جلد اول، تهران: انتشارات عطار، چاپ چهارم، ص ۱۸۷
- ۱۱- دولت آبادی، یحیی، همان، ص ۱۹۱
- ۱۲- همان ص ۱۸۷
- ۱۳- احتشام السلطنه، محمود (۱۳۶۷) خاطرات به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: انتشارات زوار ص ۲۳۶
- ۱۴- میر انصاری، علی (۱۳۶۸) انجمن معارف، دایره المعارف بزرگ اسلامی جلد ۱۰، ص ۳۱۷-۳۱۶
- ۱۵- قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷) مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، ص ۲۷۱
- ۱۶- دولت آبادی، یحیی، همان جلد اول، ص ۳۰۲- بنی اقبال، ناهید، ناصح محمد امین (۱۳۵۸) سیر تکوین نظام آموزشی نوین در ایران، روزنامه اطلاعات، چهارشنبه ۲۸ تیر شماره ۲۳۶۸۰ ص ۶
- ۱۷- دولت آبادی، یحیی، همان، ص ۱۸۹
- ۱۸- قاسمی پویا، همان ص ۲۷۱
- ۱۹- دولت آبادی، همان، ص ۱۹۰

۲۰- دولت آبادی، یحیی، همان، ص ۱۸۹

۲۱- احتشام السلطنه، همان ص ۳۴۶-۳۴۷

۲۲- قاسمی پویا ص ۲۷۲

۲۳- دولت آبادی، ص ۲۱۵

۲۴- صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳) تاریخ جراید و مجلات ایران، جلد ۴، تهران: انتشارات کمال ص ۲۲۰

۲۵- احتشام السلطنه ص ۳۲۷-۳۲۸

۲۶- همان ۳۵۱

۲۷- همان